

موارد نادرست و نامناسب داستان‌های هری پاتر کدامند؟

Peter H. Denton

O مترجم: فاطمه زمانی

این کتاب‌های مقدس، خدا به بندگانش (چه یهودی و چه مسیحی) نگفته جادوگر شوند و یا این که اگر واقعا آن‌ها را ناراحت و آزرده کرد، می‌توان با کمک نیروهای غیبی، او را به شکل یک حیوان زشت در آورد و...

این مسئله کاملاً روشن است که منتقدان، با مطرح کردن این سوال که «نکات نادرست و نامناسب داستان‌های هری پاتر کدامند؟»، به جای آن که نکات مبهم و سوال برانگیزی را پیش بکشند، خشم و هیجان عمومی را برمی‌انگیزند.

در این جا من می‌خواهم با جسارت، به نکته‌ای اشاره کنم و آن، این که مسئله واقعی در مورد مخالفت با هری پاتر، جادوگری و سحر نیست، مسئله مربوط به فرهنگ و اعتقادات مردمی است. مشکل این است که چرا کتاب‌های هری پاتر، در قفسه کتاب‌های کودکان، بیشتر از کتاب‌های مذهبی به چشم می‌خورد و در این جا، همان دلیل دوم مخالفت آن‌ها مطرح می‌شود که کودکانی که پول والدین خود را که با زحمت فراوان به دست آورده‌اند، صرف خرید این کتاب‌ها می‌کنند، قاعدتاً باید از نظر اخلاقی، دچار ضعف یا مشکل باشند.

در حقیقت، کتاب‌های آسمانی انجیل و تورات، درباره نیروهای غیبی و جادوگری توضیحات کمی دارند و فقط به این نکته اشاره می‌کنند که این نیروها، بخشی از توانایی بندگان و آفرینندگان خداست که به آن‌ها، قابل تحقق است و به عنوان یک شغل، مورد تایید نیست. در این مورد، دلایلی وجود دارد که به ذکر آن‌ها می‌پردازیم:

الف) در این کتاب‌ها به روشنی اعلام شده، همان طور که جهان مادی وجود دارد، عالم روحانی و معنوی هم وجود دارد و انسان‌ها این فرصت و اختیار را دارند تا با انتخاب فرصت‌های خوب و انجام اعمال خیر (وابسته به عوالم روحانی) و یا موقعیت‌های بد و انجام اعمال شر (وابسته به عوالم مادی)، زندگی خود را جهت ببخشند.

ب) خوبی و بدی، هم در دنیای معنویات و هم در دنیای مادیات وجود دارد که این اتفاق، بعد از خوردن میوه ممنوعه توسط آدم و حوا و هبوطشان از بهشت به زمین رخ داد. در دین یهود و مسیح، این تفکر که نیروهای خیر و شر در کنار هم قرار دارند، کاملاً نفی شده است و خدا یا پهلوه، بدون در نظر گرفتن خیر یا شر بودن این نیروها، در صدر همه قدرت‌هاست.

ج) در کتاب‌های آسمانی، به روشنی درباره نیروهای بد و شیطانی صحبت شده و این که وقتی یک قوم به اعمال شر دست بزنند، یعنی کاملاً از یاد خدا دور افتاده است و اگر دوباره به خدا روی آورد، خیر و خوبی در میان‌شان رایج شود. به عبارت دیگر، بر اساس داستان‌هایی که در این کتب مقدس آورده شده،

این اواخر مطالب زیادی درباره هری پاتر شنیده‌ایم و این که اگر کسی برای یک سال تحصیلی، به جای رفتن به مدرسه، به هاگوارتز برود، چقدر جالب و شگفت‌انگیز است. در این مقاله، من می‌خواهم به بررسی بعضی از دلایلی بپردازم که باعث شده تا هری پاتر، از نظر عده‌ای از بزرگسالان نامطلوب جلوه کند؛ بدون این که به عقیده کودکان خود درباره این کتاب توجهی نشان دهند. آن‌ها بر این گمانند که بهتر است کودکان را از افکاری که در این کتاب‌ها ارائه شده، دور کرد؛ حتی اگر این کار به معنای نگه داشتن این کتاب‌ها در جایی دور از چشم کودکان باشد.

از نظر آنان، دو دلیل آشکار برای مخالفت با جی. کی. رولینگ و شخصیت‌های داستانی جادوگر او وجود دارد:

۱) اگر کودکان بسیاری هری پاتر را دوست دارند، بنابراین باید اساساً کاستی و نقصی در این کتاب‌ها وجود داشته باشد.

۲) کودکانی که پول والدین خود را که با زحمت فراوان به دست می‌آورند، صرف خرید این کتاب‌ها می‌کنند، می‌بایست از نظر اخلاقی دچار ضعف یا مشکل باشند.

در حالی که این واکنش‌ها کاملاً پیش بینی شده است، باید دید که چرا این کتاب‌ها سانسور نشده یا جمع‌آوری نگشته‌اند؛ به خصوص آن که تصور می‌شود با اعتقادات مسیحی و مذهبی مغایرت دارند و خانم رولینگ، با ترویج علوم جادویی، کودکان را از نظر روحی و روانی در معرض خطر قرار می‌دهد.

افرادی را که چنین تصورات منفی‌ای درباره رولینگ دارند، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد که من جداگانه آن‌ها را بررسی می‌کنم: دسته اول، کسانی که مایلند به آداب و رسوم پروتستان پایبند باشند. اعتراض آنان، بر سر این مسئله است که چرا موضوع افسونگری و جادوگری، به نحوی ارائه شده که بیشتر از آن که سرگرم کننده باشد، دارای کشش و جذبه و خیلی پرنرنگ‌تر از آداب و رسوم و اعمال مذهبی است. من می‌توانم دلایلی ارائه کنم مبنی بر این که گفته‌ایم افراد، خیلی سوال برانگیزتر است از چیزی که رولینگ نوشته، ولی صلاح نمی‌دانم که این کار را بکنم. در عوض، می‌خواهم با دقت بیشتری درباره ایرادهای مهمی که عنوان شده، یعنی وجود نیروهای پنهانی و سری، به خصوص جادوگری و آیاتی از کتب آسمانی، مبنی بر اثبات این نیروها، مطالبی را بیان کنم.

منتقدان و مخالفان هری پاتر، معتقدند که در این کتاب‌ها، رابطه بین علوم الهی و علوم سری و نهانی انکار شده است. به خصوص بر اساس تعالیم تورات و انجیل. در عین حال، بعضی از مباحث تحریف شده این کتب آسمانی را پیش می‌کشند تا کتاب‌های هری پاتر را نامناسب نشان دهند. البته در هیچ کجای





جادوگر، به معنای تشویق به این کار نیست؛ زیرا در دنیای هری پاتر، اگر کسی جادوگر متولد نشود، این شانس را ندارد که بعداً جادوگر بشود. مثلاً در قسمتی از کتاب «هری پاتر و سنگ جادو»، سازنده عصای جادوگری، آقای اولیواندر، به هری می‌گوید: «عصای جادویی، خود جادوگرش را پیدا می‌کند.» این بدین معناست که اگر کسی توانایی جادوگری نداشته باشد، به این وادی راه پیدا نخواهد کرد.

هر کودکی که به اندازه کافی بزرگ شده که بتواند این کتاب‌ها را بخواند، باید به اندازه کافی بزرگ باشد که متوجه شود انسان‌ها همه مشنگ (غیرجادوگر) هستند و این مطالب همه جنبه سمبلیک دارند.

جادوگری و افسونگری در دنیای هری، معادل با علوم و تکنولوژی در دنیای ماست. تمرینات آن‌ها برای انجام کارهای جادوگری، مانند انجام آزمایشات الکتریکی، مکانیکی یا شیمیایی ماست که در هر دو حالت، نتایج شگفت‌انگیزی به دست می‌آید.

وقتی آن‌ها چیزهایی درباره وزارت سحر و جادو می‌گویند، مانند این است که افراد غیر جادوگر، درباره انجمن تحقیقات علمی و مهندسی صحبت کنند. دانش‌آموزان در مدرسه هاگوارتز، درس‌هایی درباره معجون‌ها، داروها و گیاهان جادویی یاد می‌گیرند؛ همان طور که غیر جادوگرها درباره گیاهان و داروهای معمولی چیزهایی می‌آموزند. جای تعجب ندارد که ببینیم آقای ویسلی، وقتی محصولات و فرآورده‌های تکنولوژی و عملکرد آن‌ها را که به دست غیر جادوگرها ساخته می‌شود، می‌بیند، بسیار شگفت‌زده می‌شود.

درباره مدرسه هاگوارتز هیچ نکته پوشیده و سری وجود ندارد. آن جا یک مدرسه شبانه روزی است که دانش‌آموزان بعد از تعطیلات، به وسیله قطار، اتوبوس یا ماشین‌های پرنده به آن جا می‌روند. در این مدرسه، قوانین خاصی حکمفرماست و دانش‌آموزانش یاد می‌گیرند چطور از مهارت‌های‌شان استفاده کنند تا به نتایجی که می‌خواهند، برسند.

این تصور که نویسنده هری پاتر، با ۷ جلد کتاب می‌خواهد توسط کودکان به عقاید مذهبی کلیسا حمله کند، فکری شیطانی است که من با آن، موافق نیستم. مسئله‌ای که در این جا مطرح می‌شود این است که ما فکر می‌کنیم یا باید کودکان‌مان را با ارائه خیالات واهی و بی‌اساس در مقابل چنین مطالبی حفظ کنیم و یا این که این مطالب و کتاب‌ها را از دسترس آن‌ها دور نگه داریم و صبر کنیم تا به حد کافی بزرگ شوند و هر زمان که توانستند عاقلانه فکر کنند و تصمیم بگیرند، این کتاب‌ها را در اختیارشان قرار دهیم. باید اذعان کرد که بیشتر کودکان دوست دارند در دنیایی پر از معصومیت و پاکی زندگی کنند، ولی آن‌ها کم‌تر از این نعمت برخوردارند. زیرا تحت تاثیر همسالان، رسانه‌ها، جامعه، شرایط اجتماعی و... قرار دارند و موقعیت‌های متفاوتی را تجربه می‌کنند.

بیا بید این شعار را آویزه گوش خود کنیم: «بگذاریم کودکان، کودک بمانند.»

فکر می‌کنم این کار عاقلانه است اگر اجازه دهیم که کودکان، جهان را آن طور که هست، ببینند و با افکار شیطانی و شر که در دل بعضی افراد نهفته است، آشنا شوند تا

می‌توان به راحتی افراد خوب را شناسایی کرد، ولی خیر و خوبی و نعمت‌ها را فقط در جوامعی می‌توان یافت که مردمانش به طور مستقیم با خدا ارتباط دارند و به اعمال شر دست نمی‌زنند.

د) شیطان با قدرت و توانایی‌ای که دارد، می‌خواهد انسان‌ها را به انحراف بکشاند و افکار و روح شیطانی را در آنان القا کند، ولی موضوع اصلی کتب آسمانی، مقابله با نیروهای شر و شیطانی است و ارائه تعالیم مناسب برای از بین بردن آن‌ها.

دنیای توصیف شده در کتاب‌های آسمانی، دنیایی است پر از نیروهای خیر و شر و لازم است تا انسان‌ها برای تمیز دادن این دو، به آگاهی و شناخت لازم برسند.

حالا برگردیم سراغ کتاب‌های هری پاتر و ببینیم که در آنها، این مسئله چگونه بیان شده است و نیروهای خیر و شر چگونه معرفی شده‌اند؟ برای پاسخ به این سوال، من دو پرسش مطرح می‌کنم:

۱) آیا کتاب‌های هری پاتر، کودکان را به استفاده از علوم ناشناخته و سری (جادوگری) تشویق می‌کند یا آنها را به شناخت نیروهای خیر و شر و می‌دارد؟
۲) آیا کتاب‌های هری پاتر، به اعتقادات مذهبی توهین می‌کند و می‌خواهد از این طریق، کودکان را علیه مذهب شست و شوی مغزی دهد؟

پاسخ به این دو سوال، قطعاً «نه» است. اگر کسی بدون

تعصب و پیش‌داوری و با دقت این کتاب‌ها را بخواند، متوجه می‌شود که نویسنده می‌خواهد بگوید کودکان با توانایی‌های خاص متولد می‌شوند، به آموزشگاه‌ها می‌روند تا یاد بگیرند استعدادهای خود را برای ورود به دنیا رشد

و پرورش دهند. رولینگ فقط در مورد پرورش و رشد کودکان، از نیروهای طبیعی و کائنات مدد گرفته است. او کاملاً به سرنوشت و قضا و قدر معتقد است. از

نظر او انسان‌ها همه «مشنگ»

(غیر جادو) هستند و

مشنگ هم باقی

می‌مانند؛ بدون توجه به

این که چقدر درباره پرواز

با دسته جارو...

خیال‌پردازی کرده

باشند. ارائه کردن

مطالبی درباره

ا ف ر ا د





بتوانند خوب و بد را از هم تشخیص دهند و در آن زمان که بزرگتری در کنارشان نیست، به خوبی فرصت‌های مناسب را دریابند و از خود مراقبت کنند. یکی از آرای با ارزش رولینگ در کتاب هری پاتر و سنگ جادو، از زبان دامبلدور، بیان شده است: «او را ولدمورت صدا کن، هری همیشه اسم کامل چیزها را به کار ببرد. ترس از یک اسم، ترس از خود چیز را می‌افزاید» (ص ۴۰۰ هری پاتر و آکسیر (سنگ جادو) ترجمه فریدون قاضی نژاد).

و به این ترتیب، می‌خواهد ریشه ترس‌های واهی را در کودکان بخشکاند. به علاوه، شخصیت‌های رولینگ اهمیت انتخاب و تصمیم‌گیری‌های درست را یاد گرفته‌اند؛ نه به عنوان ابزاری برای تغییر دادن خود، بلکه برای آشکار کردن توانایی‌ها و خصلت‌های شان. در پایان کتاب دوم، دامبلدور می‌گوید: «هری این انتخاب ماست که نشان می‌دهد ما واقعاً چه هستیم، صرف نظر از توانایی‌های مان.» (ص ۴۶۵ هری پاتر و اتاق رازها).

در این مورد، می‌توانیم به دیدگاه جان میلتنون، آن جا که به شیطان و نافرمانی او از امر خدا که در کتاب‌های آسمانی مطرح شده، اشاره می‌کند. «مقام انسان در جایگاهی است که آن چه را مورد پسند عقل است، انتخاب می‌کند و در مقابل انجام کارهای زشت جلوی خود را می‌گیرد؛ حتی اگر به عواقب و گناه آن فکر نکند.»

«یک فرد مذهبی واقعی، کسی است که می‌تواند اعمال فسق و فجور و شرارت را به خوبی درک کند و حتی اگر برایش جذابیت داشته باشد، از انجام آن‌ها خودداری می‌ورزد.»

«آن چه ما را در جهان به پاکی و معصومیت می‌رساند، ناملایمات و آزمایشات الهی است که ایمان مان را خالص و پاک می‌کند و به این ترتیب است که جهان به معصومیت آراسته می‌شود.»^۱

منتقدان و مخالفان هری پاتر،

معتقدند که در این کتاب‌ها،

رابطه بین علوم الهی و علوم سری و نهانی

انکار شده است. به خصوص بر اساس

تعالیم تورات و انجیل

در این جا من می‌خواهم بگویم که لازم است کودکان درباره چیزهایی که ضرورتاً روزی با آن‌ها رو به رو می‌شوند، شاید خیلی زودتر از آن زمانی که انتظارش را دارند یا والدین شان آرزو می‌کنند، مطالبی بخوانند. این که کودکان را از بسیاری از مطالب دور نگه داریم و اجازه ندهیم از عقل شان استفاده کنند، عاقلانه نیست. شاید چنین داستان‌هایی به کودکانی که در دنیایی زندگی می‌کنند که تقریباً پاکی و معصومیت در آن وجود ندارد، کمک کند تا درک کنند آن چه برای آن‌ها اتفاق می‌افتد، مشابه اتفاقی است که برای دیگران هم پیش می‌آید.

در این جا به همان سوال شروع این مقاله بر می‌گردم که نکات منفی این داستان‌ها چیست؟ آیا این کتاب‌ها جهانی را به تصویر می‌کشند که مخالف آن چیزی است که مسیحیت می‌گوید؟ آیا کودکان مطرح شده در این داستان‌ها، با ارزش‌ها و فرهنگ مسیحیت غریبه هستند؟ به عبارت دیگر، آیا ارتباطی بین کتاب‌هایی که کودکان می‌خوانند و شخصیتی که در بزرگسالی کسب می‌کنند، وجود دارد؟

در این جا می‌توان درباره «جهان معنوی» که رولینگ در آثارش به نمایش

کشیده، بحث و گفت‌وگو کرد؛ جهانی که در آن کوئیرل، عامل ولدمورت، آن رابه این شکل برای هری توصیف می‌کند: «خیر و شری وجود ندارد، فقط قدرت است و آن‌هایی که خیلی ضعیف هستند، باید به جست و جوی آن بروند...» (آکسیر ص ۳۹۱)

به نظر می‌رسد که هدف کوئیرل از گفتن این سخنان، تاکید بر وجود قدرت در افراد است. فکر اصلی ولدمورت هم این است: در دنیا یک چیز وجود دارد و آن قدرت است. هر کس قدرت به دست آورد، برنده است. به نظر او نیروی خیر و شر معنا ندارد.

خیر و شر در این کتاب‌ها دو قطب مخالف هستند، اما به آن شکل که برتراند راسل آن را تعریف می‌کند، به تصویر کشیده نشده‌اند: «خیر»، چیزی است که ما می‌خواهیم برای مان اتفاق بیفتد و «شر» چیزی است که می‌خواهیم از آن اجتناب کنیم.

در این کتاب‌ها رولینگ جهانی خلق کرده که در آن خیر و شر در دو سو قرار دارند، ولی این طور نیست که همیشه افراد صالح و درستکار، با داشتن رفتار خوب، به فرجام بد و وحشتناک دچار نشوند و یا افراد شرور به نتایج خوب برسند. به عبارت دیگر، دنیای اخلاقیات رولینگ محل مناسبی برای کسانی نیست که فکر می‌کنند افراد به سبب کارهای شان، دچار عواقب ناگوار یا خوب می‌شوند. آن‌ها سرنوشت افراد را بر اساس نتایج کارهای شان می‌دانند، در صورتی که کسی نمی‌داند واقعاً چه چیزی درست و چه چیزی غلط است. همان طور که دامبلدور می‌گوید: «نتیجه اعمال ما آن قدر پیچیده و آن قدر گوناگون است که پیشگویی آینده، در واقع کار سختی است...»

چرا کودکان هری را دوست دارند؟

نویسنده: تامارا اوپار (Tamara Opar)

چرا کتاب‌های هری پاتر، این قدر محبوب است و چرا کودکان، به این پسر یتیم تا این حد علاقه‌مندند؟ چرا کتاب‌های جی. کی. رولینگ چنین جادو و جنتالی را در زمینه ادبیات و دنیای کتاب و کتابداری به پا کرده است؟

بگذارید نگاه کوتاهی به هری بیندازیم. والدین او در زمانی که او هنوز یک نوزاد بود، به دست لرد ولدمورت خبیث کشته شدند. هری زنده ماند، اما نیروهای جادویی شر همیشه در پی آسیب رساندن به او بودند. هری کوچولو که بی‌سرپرست شده بود، به خانواده خاله‌اش واگذار شد که بسیار خودخواه بودند و نسبت به سرنوشت هری بی‌اعتنا. پسر خاله هری، دادلی، رفتار بسیار بدی با هری داشت. خانواده دورسلی، جهان سحر و جادو را که هری به آن جا تعلق داشت، به کلی نفی می‌کردند و تمام نیروهای شان را به کار می‌گرفتند تا نگذارند این سحر و جادو، به زندگی آن‌ها راه پیدا کند.

از آن سو، دنیای جادو با فرستادن نامه‌ای برای هری، او را برای فرا گرفتن درس جادوگری، به مدرسه هاگوارتز دعوت کرد. بررسی اجمالی خلاصه ماجراهای کتاب اول، دیدگاهی راجع به آن چه کودکان در شخصیت هری می‌بینند، به ما می‌دهد. در واقع کودکان با شروع داستان، می‌توانند به سادگی یا هری را تحسین و یا او را سرزنش کنند.

در جریان داستان، وقتی هری متوجه توانایی‌ای که به او به ارث رسیده، می‌شود و شروع به یادگیری جادوگری می‌کند، زندگی‌اش معنای جدیدی می‌یابد و اتفاقات جالبی برای او یا در اطراف او روی می‌دهد که کودکان، آن‌ها را در رویاهای خود می‌پروراند.

هری شخصیتی مشهور و خوشبخت است که می‌تواند نامرئی شود و هر کاری که بخواهد، انجام دهد؛ بدون آن که تحت فشار والدین یا قوانین دیگر باشد. هم مدرسه‌ای‌هایش او را یک قهرمان می‌دانند؛ زیرا داستان شکست دادن لرد ولدمورت، توسط هری را شنیده‌اند. البته، زندگی هری مانند زندگی همه کودکان است که انتظار می‌رود به مدرسه بروند، لوازم مدرسه‌اش را بخرند، از حوادث خوشحال‌کننده لذت ببرند... فقط تفاوت او با دیگران، این است که زندگی او جادویی و شگفت‌انگیز است. به نظر می‌رسد که زندگی همراه با



این مسئله کاملاً روشن است که منتقدان، با مطرح کردن این سوال که «نکات نادرست و نامناسب داستان‌های هری پاتر کدامند؟»، به جای آن که نکات مبهم و سوال برانگیزی را پیش بکشند، خشم و هیجان عمومی را بر می‌انگیزند

روزنامه‌ها، مجلات و...

کتاب‌های چاپ شده از این سری، به زبان‌های زیادی ترجمه شده و بیش از صد میلیون نسخه فروش داشته است. رولینگ با کتاب‌های خود، باعث رشد و پرورش قدرت خلاقیت کودکان شده است.

البته، باید توجه کرد که فقط کودکان نیستند که این کتاب‌ها را می‌خوانند، بلکه بزرگسالان هم به آن علاقه پیدا کرده‌اند.

به گزارش کتابخانه عمومی winipeg، این کتاب‌ها بسیار مورد استقبال بزرگسالان قرار گرفته. بر اساس گزارش سال ۲۰۰۱ این کتابخانه، از هر ۳ مراجعه‌کننده، دو نفر کتاب هری پاتر و سنگ جادو را به امانت گرفته و مطالعه کرده‌اند.

ما در کتابخانه‌مان برای دریافت کتاب‌هایی که متقاضی زیاد دارد، لیست انتظار داریم و من به عنوان یک کتابدار، واقعا خوشحال می‌شوم وقتی هیجان را در چشمان بچه‌ها می‌بینم؛ آن زمان که بالاخره نوبت امانت گرفتن کتاب به آن‌ها می‌رسد. کودکان نکته‌های کوچک و جالبی درباره نحوه استفاده از کتابخانه‌ها و سرویس‌دهی آن‌ها یاد گرفته‌اند. آنان یاد گرفته‌اند که باید برای کتابی که دوست دارند مطالعه کنند، انتظار بکشند. هم چنین، یاد گرفته‌اند که از کاتالوگ‌ها برای پیدا کردن کتاب‌های مورد علاقه استفاده کنند. به علاوه، متوجه شده‌اند که اگر برای پیدا کردن کتاب‌های خوب از کتابداران کمک بخواهند، کاری معقول و صحیح انجام داده‌اند. این کتاب‌ها باعث شده‌اند تا قدرت تخیل کودکان تحریک شود و بعضی‌ها که نسبت به مطالعه بی‌میل بودند، حالا درگیر جزو خوانندگان کتاب شده‌اند. این مسئله خیلی جالب است که می‌بینیم کودکان و خانواده‌های‌شان، به مطالعه علاقه‌مند شده‌اند؛ نه فقط نسبت به کتاب‌های هری پاتر، بلکه دیگر کتاب‌های فانتزی و دیگر سبک‌های ادبی.

پی‌نوشت:

1. John Milton, complete poems and Major Prose, ed Merritt Y. Hughes

افسون و سحر، به همان سادگی که انتظار می‌رود، نباشد. او باید بسیار مطالعه کند، وقت بگذارد و آماده شرکت در کلاس‌ها شود. در این میان، اشتباهات و بدبختی‌ها و اتفاقات بدی پیش می‌آید که شخصیت‌های داستان را دچار مشکل می‌کند. هری برای درک این دنیای جدید و ناآشنا و کنار آمدن با مسئله مرگ والدینش، مبارزه می‌کند.

این که می‌بینیم هری و دنیایی که به آن تعلق دارد، بی‌عیب و نقص و کامل نیست، نکته مثبتی است.

حتی جادوگران با سابقه هم با داشتن نیروی جادویی، وقتی با دنیای غیرجادوگران رو به رو می‌شوند، سردرگم می‌شوند.

رولینگ دنیایی خلق کرده که در آن جادوگرها و غیر جادوگرها، در یک سیاره شریک هستند، اما به کلی آداب و رسوم و سبک زندگی یکدیگر را نادیده می‌گیرند. به ندرت این دو دنیا با هم درگیر می‌شوند، ولی وقتی این اتفاق می‌افتد، خواننده با یکسری حوادث جالب رو به رو می‌شود.

کودکان به سادگی با شخصیت‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. همگی آن‌ها کمی عجیب و غریب هستند و هیچ کدامشان بی‌عیب و نقص نیستند. این مسئله، اثبات می‌کند که حتی با سحر و جادو هم دنیا کامل نمی‌شود و درس‌های اخلاقی زیادی هست که باید هری و دوستانش آن‌ها را بیاموزند. هری یک شخصیت دوست‌داشتنی است؛ چون واقعی است. او برای یادگیری درس‌هایش تلاش می‌کند، از شهرتش سوء استفاده نمی‌کند و به کارهای خیر دست می‌زند...

برای این که ببینیم کودکان چرا مجذوب این کتاب‌ها شده‌اند، باید ببینیم که این همه جار و جنجال رسانه‌ای، انتشاراتی و کتابخانه‌ای چه گونه ایجاد شده است. خوانندگان کتاب‌های رولینگ، خبرهای مربوط به این کتاب‌ها را از طریق بسیاری منابع به دست می‌آورند: شنیدن اخبار از زبان دیگران، بررسی لیست کتاب‌های پرفروش، شرکت در برنامه‌های کتابخانه‌ها و موزه‌ها، رفتن به کتاب‌فروشی‌ها و نمایش‌گاه‌های کتاب، کسب اطلاعات از طریق اینترنت،

